



۱۳۷۹ / ۱۲ / ۲۰

پایان نامه

برای اخذ درجه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

دانشگاه تهران

مجتمع آموزش عالی قم

موضوع:

بررسی راه‌های مبتنی بر عدالت در حقوق مدنی ایران

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر عزت الله عراقی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر نجادعلی الماسی

نگارش:

حمیدرضا سیف

دانشجوی کارشناسی ارشد در رشته حقوق خصوصی

شماره دانشجویی:

۲۲۰۲۷۵۱۱۶

۳۲۴۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۲۴۱۹

با تقدیر و تشکر فراوان از اساتید بزرگوارم

**جناب آقای دکتر عراقی استاد
راهنما و جناب آقای دکتر الماسی
استاد مشاور که در سایه اندرزها و
الطاف بی‌شائبه ایشان توانستم این
پایان‌نامه را ارائه نمایم.**

تقدیم به:

همسرم

که همواره مدیون زحمات و تشویقهای دلگرم کننده اش بوده‌ام.

صفحه	فهرست موضوعی
۱	پیشگفتار
۱	مقدمه
۱	فصل اول- مبانی عدالت
۷	مبحث اول- بررسی تاریخی
۷	گفتار نخست: نظریه فلاسفه یونان و پیشینیان از آنها
۲۹	گفتار دوم: نظریه رومیان
۲۹	مبحث دوم- مکاتب
۴۷	گفتار نخست- مکتب حقوقی فطری یا طبیعی
۴۷	گفتار دوم- دیگر مکاتب حقوقی
۶۷	فصل دوم: مفهوم، اعتبار، معیار شناخت و منابع
۶۷	مبحث اول: تعریف و ماهیت عدالت
۶۷	گفتار نخست- تعریف و ماهیت عدالت از دیدگاه فلاسفه و فقها
۱۰۳	گفتار دوم- ضابطه شناخت، منابع
۱۱۷	گفتار نخست- انواع عدالت
۱۲۴	گفتار دوم: تطایفه عدالت با پاره ای از قواعد اجتماعی
۱۵۵	فصل سوم- بررسی عدالت از دید حقوق مدنی و رویه قضایی
۱۵۵	مبحث اول: عدالت در قانون مدنی
۱۵۵	گفتار نخست- عدالت در مباحث قانونی
۱۶۲	گفتار دوم- عدالت در قوانین دیگر حقوقی
۱۶۶	گفتار سوم- عدالت و شهادت در قوانین حقوقی
۱۶۹	مبحث دوم: رویه قضایی
۱۹۹	نتیجه

پیشگفتار

بحث از عدالت و تأثیر و نقش آن در حقوق به طور قطع نمی‌تواند به عنوان یک مبحث حقوقی صرف به دور از تأثیرات جانبی مطرح گردد زیرا همانگونه که آشکار است عدالت یک مفهوم فلسفی است که دستمایه حقوقدانان و حکیمان علم حقوق قرار گرفته تا این علم را به سوی آن معیار واقعی ارزشها هدایت نماید بنابراین به منظور دستیابی به نقش این واژه فلسفی در حقوق بدو ناگزیر از شناسائی معنای فلسفی آن و لو به طور نسبی می‌باشیم و از طرفی این واژه فلسفی در میان اکثر تمدنهای بشری از بدو تاریخ بشریت تا کنون وجود داشته و دارد و بیشتر ملل متمدن جهان و تقریباً تمامی ادیان از آن به عنوان یک ارزش نام برده‌اند لیکن هر قوم و نژاد و قبیله‌ای در بیان ماهیت آن عناصر گوناگونی را به کار گرفته‌اند فلذا، ناگزیر فصل اول و دوم به بیان و بررسی تاریخی و ماهیت این واژه از دیدگاه فلسفی و دینی تمدنهای مهم بشری پرداخته شده و به همین علت حجم این دو فصل برخلاف معمول بیش از حجم فصل سوم که به بررسی موضوع اصلی یعنی بررسی راههای مبتنی بر عدالت در حقوق مدنی، می‌پردازد، گردیده است و برای شناسایی نسبی این واژه چاره‌ای جز این نمی‌دیدم که امیدوارم از این نظر بخشوده شوم.

در باب اهمیت موضوع پایان‌نامه شاید بتوان گفت جای صحبت از عدالت در حقوق خالی است در حالیکه در قانون اساسی کشور ما که اساس و بنیان حکومت بر آن نهاده شده و در اصل یکصد و پنجاه و ششم و نیز در بند دوم آن اصل می‌خوانیم «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱...۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع» بنابراین می‌بینیم که مسئولیت خطیری که بر عهده این قوه نهاده شده در واقع تحقق بخشیدن به عدالت است و هدف نهائی و غائی حقوق نیز برپائی عدالت است و مردم نیز از آنجا که فطرتاً

عدالتخواه و عدالتجو می‌باشند قوانینی را که عادلانه می‌یابند از آن پیروی و اطاعت می‌نمایند و قوانین ناعادلانه را ولو به صورت ظاهر می‌پذیرند اما در حقیقت با طبع آنها ناسازگار بوده و در صورت لزوم با آن به ستیز می‌پردازند.

از طرفی انسان بطور فطری جویای عدالت است و رفاه و امنیت خویش را در سایه عدالت می‌یابد ولو اینکه هر چه بیشتر تلاش نموده؛ این ارزش را دست نیافتنی تر دیده لیکن از دیرباز پیوسته سعی در احیاء و اجرای آن داشته و آن را به عنوان یک واقعیت ملموس و عینی در داد و ستد و معاملات و حتی در توزیع مناصب و مشاغل خواستار بوده و هست.

اگر به بررسی دقیق قوانین و مقررات و نظم موجود در روابط انسانی پرداخته شود معلوم می‌گردد که قبل از اجتماعات انسانی هیچگونه مقررات مدونی موجود نبوده و نظم و انضباط اجتماعی به نحوی که امروزه شاهد آن هستیم وجود نداشته و انسان به تدریج به این نظم و انضباط دست یافته و با تحقیق و تتبع فراوان به این نتیجه رسیده که مبنای قوانین چیزی به جز یک نظام ارزشی عادلانه نبوده و اکثر قوانین و مقررات به منظور اجرای عدالت تدوین گردیده و این واقعیت در بیشتر نظامهای حقوقی مذهبی و لاییک مورد توجه واقع گردیده و با استقرار در نظامهای حقوقی مختلف می‌توان دریافت که عدالت بنیاد حقوق انسانی و بهترین قاعده و پایه برای سازمانهای اجتماعی و روشن‌ترین میزان در تشخیص حق از باطل است.

استقرار عدالت نه تنها در روابط حقوقی و خصوصی افراد از اهمیت فراوان برخوردار است بلکه برای برقراری و ابقاء حکومتها نیز امری ضروری است زیرا مشهور است که پایداری هر حکومت مستلزم اقامه عدل است و هیچ حکومتی نمی‌تواند با ظلم بر مردم حکمرانی نماید «الملک یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم».

و اما عدالت جایگاه مهمی نیز در امر قضا دارد که جهت روشن شدن این موضوع به قسمتی از کتاب فلسفه حقوق دکتر کاتوزیان استاد حقوق مدنی اشاره می‌شود «... همین اندازه می‌گوئیم که روانشناسی قضائی و حتی تأمل در سیر درونی فکر دادرس نشان می‌دهد که تصمیم او تنها نتیجه استدلال و تعقل نیست و جذبه عدالت و احساس نیز در آن سهم شایان دارد بارها این

احساس را در جان خود داشته‌ام و از زبان دادرسان دیگر شنیده‌ام که حق را در نگاهی گذرا تمیز داده‌اند و تلاش می‌کنند که منطق نیز چنان سیر کند که به آن نتیجه مطلوب برسد...»^(۱)

در مورد روش تحقیق با توجه به نبودن منابع وافی در خصوص مورد و یا نقایص و کاستی‌های ناشی از عدم دسترسی به منابع موجود البته «عدم الوجدان لایدل علی عدم الوجود» و نیز کاستی‌های ناشی از عدم آشنائی با زبان خارجی خصوصاً زبان فرانسه اذعان می‌نمایم که آنچنان که شایسته بود قادر به تحقیق نبودم مضافاً اینکه مشغله زندگی نیز مزید بر علت بود و در میان منابع فارسی نیز به لحاظ قلیل بودن قادر به دستیابی به منابع وافی نگردیدم و شاید اینگونه منابع اساساً بسیار اندک بود در هر حال موارد مذکور در فوق به عنوان موانع و مشکلات موجود در راه تحقیق بودند. که امیدوارم اساتید و بزرگواران اینجانب را در این مورد عفو نمایند.

«مقدمه»

۱- گرایش به تدوین رساله‌ای تحت عنوان «بررسی راه‌های مبتنی بر عدالت در حقوق مدنی ایران» در واقع نشأت گرفته از روح عدالت خواه نوع بشر است. مفهوم عدالت، بررسی آن و گرایش به سوی آن، مطلوب و مقصود هر عقل سلیم است و هر انسان عاقل قلباً از امور متعادل‌خشنود و از امور نامتعادل ناخشنود است. گذشته از انسان که حیوان ناطق^(۱) است حالت تعادل موافق طبع دیگر موجودات زنده اعم از حیوانات و نباتات نیز می‌باشد؛ نگاهی گذرا به وضع موجود در طبیعت این حقیقت را بهتر روشن می‌سازد، چنانکه در میان فصول چهارگانه سال فصل ربیع متعادل‌ترین فصلهاست. در بهار که هنگام اعتدال شب و روز است، طراوت و شادابی در گلها و گیاهان موجود است پرندگان در این فصل به وجد آمده و شور و نشاط آنان به اعلاء درجه خویش می‌رسد، اینان در بهار طبیعت سرمست و غزلخوانند و از روی غریزه حالت اعتدال ربیعی را بهترین زمان برای انتخاب جفت و ساختن آشیانه می‌دانند....

شاید به جرأت بتوان ادعا نمود که حالت تعادل علاوه بر جانداران و موجودات زنده در غیرجانداران و در میان جمادات نیز مشهود است، زیرا برافراشته شدن کوه‌ها، تپه‌ها و در قبال آن ایجاد گودالها و دره‌ها نشانه‌هایی از عدالت طبیعی است و وجود این پستی و بلندی‌ها نوعی ضرورت برای موجودات است. جهان هستی با تمام رموز و پیچیدگی‌های موجود در آن از نظم و اعتدال خاصی برخوردار است. خداوند سبحان در قرآن کریم می‌فرماید «... خورشید و ماه به حساب معین در گردش هستند آسمان را کاخی رفیع گردانید و میزان را در عالم وضع نمود و حکم فرمود که ای بندگان هرگز در میزان «عدل» و «عدالت» تعدی و نافرمانی نکنید...»^(۲) هرگونه ناپایداری و عدم ثبات طبیعی در گوشه‌ای از جهان موجب برهم خوردن

۱- مراد از نطق در حیوان ناطق، نطق ظاهری به معنای تکلم نبوده بلکه منظور نطق باطن معنی قوه عاقله و ناطق به معنی عاقل است.

ژک منطق صوری دکتر محمد خوانساری چاپ هفدهم انتشارات آگاه ۱۳۷۳ ص ۱۱۳ پاورقی

۲- سورة مبارکه الرحمن آیات ۵ به بعد

حالت اعتدال در آن ناحیه از جهان می‌گردد تمامی موجودات عالم در سایه اعتدال هستی با آرامش زندگی می‌کنند و آسایش این موجودات زمانی به خطر می‌افتد که عاملی خارجی موجب برهم خوردن این وضعیت متعادل گردد و حتی در جغرافیای طبیعی مربوط به مناطق آب و هوایی، حالت معتدل از جمله بهترین حالت‌های آب و هوایی محسوب می‌گردد و خلاصه اینکه تمامی جهان هستی بر پایه عدل بنا نهاده شده و به همین دلیل است که حضرت رسول اکرم (ص) در نعت آیه شریفه «... و السماء رفعها و وضع المیزان..» فرموده‌اند: بالعدل قامت السموات و الارض یعنی آسمانها و زمین بر عدل برپاست و منظور از آیه و السماء رفعها و وضع المیزان این است که در ساختمان جهان رعایت تعادل گردیده و در ساختمان هر چیز از هر ماده‌ای به قدر لازم استفاده شده است. البته نقطه مقابل عدل به این معنی ظلم نیست بلکه عدم تناسب است که در جای خود به آن پرداخته می‌شود.

۲- سابقه تاریخی عدالت -

عدالت مفهومی نیست که ساخته ذهن بشر بوده و یا حادث باشد، بلکه حقیقتی است که بشر از بدو تولد خویش جویای آن بوده و از گذشته‌های دور تا زمان حاضر و حتی در آینده برای رسیدن به آن لحظه شماری می‌نماید، آدمی خواستار عدالت بوده و آن را معیار ارزش هر چیز می‌داند.^(۱)

انسان برای برپائی عدالت از خودگذشتگیها نموده و برای برقراری آن جانفشانیها کرده، چرا که در طول تاریخ دریافته که سعادت نوع بشر مرهون برپائی عدالت است، هر کس که به هر دلیل به دنبال حقیقتی بوده از عدالت نام برده و هر جا احساس نموده که حقش در معرض تضییع قرار گرفته، از عدالت مدد جسته و بطور ناخود آگاه روح عدالتجوی وی به دنبال این مفهوم بوده و حضور عدالت را به عنوان فرشته نجات، حامی خویش دانسته و به عنوان یک متکا به آن نگریسته است.

۱- کاتوزیان، دکتر ناصر، مبانی حقوق عمومی، انتشارات نشر دادگستر، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۷، ص ۴۸۰، شماره ۲۳۹.

در ازمنه بسیار قدیم فرشته عدالت ناظر رفتار و اعمال مردم بوده است تا آنجا که مورد استغاثه بوده و به او درود فرستاده میشده و همانند یک فرشته حضور او در همه جا احساس می‌گردیده است.^(۱) حاکمان و پادشاهان در طول تاریخ با چتر حمایتی عدالت بر رعایای خویش حکم می‌رانده‌اند و عناوینی از قبیل دادگر، دادگستر، عادل و امثال آن را به دنبال نام خویش می‌آورده‌اند.^(۲) حمورابی پادشاه بابل در مقدمه قانون خویش که ۱۷۵۰ سال قبل از میلاد تدوین گردیده آورده است: «ماردوک marduk خدای بزرگ بابل فرزند انری Enri خداوند زمین، من حمورابی پادشاه خداترس را مأموریت داد تا عدالت را در کشور برقرار سازم و شرارت و بدی را از میان بردارم و نگذارم مرد نیرومند و قوی شخص ناتوان و ضعیف را فرسوده نماید».^(۳)

بیشتر ملل جهان قبل از میلاد حضرت مسیح (به جز قوم بنی‌اسرائیل و یهود) ستارگان و ماه و خورشید را خداوند می‌پنداشتند و اجرای عدالت را به مقتدرترین آنها نسبت می‌دادند مصریان قدیم در سه هزار سال قبل از میلاد خدای عدالت را به نام Maat موسوم ساخته‌اند و این خداوند در پرده‌ها و نقش و نگارها در هیئت زنی نمایان می‌شود که در بالای سر او پَر بلند شتر مرغ نصب شده و این پَر نشانه حقیقت و عدالت بوده است.^(۴) Maat در دادگاه عدل الهی قلب آدمیزاد را در ترازوی عدالت وزن می‌کرده و خوراک او از حقیقت، راستی و عدالت بوده است.

پیش از آنکه بشر به منظور ایجاد امنیت در روابط اجتماعی خویش به فکر تدوین قوانین موضوعه بیفتد، عدالت و قواعد آن در روابط اجتماعی مطرح بوده است و البته عدالت از قدیمی‌ترین واژه‌هایی است که با حقوق پیوند ناگسستنی داشته است، در تبادل اجناس به شکل

۱- به نقل از دکتر موسی جوان - مبانی حقوق، جلد اول، ص ۹، چاپخانه رنگین سال ۱۳۲۶ تهران.

۲- «بگذارید هر ستم‌دیده و مظلومی به خاطر هر نوع گرفتاری که دارد در مقابل تصویر من به نام یک پادشاه عادل و دادگر قرار گیرد...» به نقل از دکتر محمد آشوری (مجموعه مقالات) کتابخانه گنج دانش چاپ اول سال ۱۳۷۶ صفحات ۱۹۰ الی ۱۹۳

۳- دکتر موسی جوان - مبانی حقوق، ج اول، صفحه ۹ و پاورقی همان صفحه

۴- همان مأخذ ص ۹

مبادلهٔ جنس به جنس (تهاتری) حتی در عصر حجر، عدالت در رفتار و اعمال مردم مشهود بوده و قوانین ابتدائی و اولیه در جوامع بشری آن را مد نظر قرار داده‌اند. منتسکیو در کتاب روح القوانین از نخستین فصلهای کتاب اول، روابط عادلانه و ناعادلانه را مقدم بر موضع قوانین دانسته و بطور وضوح تصدیق نموده «باید اعتراف کرد که روابط مبتنی بر انصاف مقدم بر قوانین وضعی هستند که انصاف را مستقر می‌سازد» و یا گفته است «گفتن اینکه هیچ چیز عادلانه یا ناعادلانه‌ای پیش از وضع قوانین وجود نداشته است بدان می‌ماند که بگوئیم پیش از ترسیم دایره، شعاعهای آن با هم برابر نبوده‌اند»^(۱).

۳- روش تحقیق -

بررسی و شناخت مفهومی به ظاهر سهل و به غایت دشوار آنهم توسط نوآموختگانی که هنوز آشنائی با الفبای این علم ندارند در واقع کار آسانی نیست، به قول سقراط چه باید کرد که در معرض مفاهیم بسیط در ورطهٔ هلاکت جهل مرکب سقوط نکند. در علوم تجربی علی‌الاصول روش آزمایش و مشاهده بهترین روش شناخت است و ابزار کار در این علوم همانا ابزار مادی و تجربی است، لیکن، در علوم نظری انسان عمدتاً با مفاهیم ذهنی سر و کار داشته و از علوم تجربی بی‌بهره است و یا بندرت از این علوم کمک می‌گیرد لذا کوشش کردن در جهت شناخت مفاهیم ذهنی کاری دشوار بوده و ای بسا انسان را از مسیر اصلی منحرف و گاهی به بیراهه می‌کشاند، در مواردی نیز ممکن است تصوراتی را که انسان از حقیقت مفاهیم ذهنی در دماغ خویش دارد و آنها را می‌پروراند، کاملاً متغیر شود و گنه و اساس آن مفاهیم در نظر انسان به صورت دیگری غیر از آنچه می‌پنداشته، جلوه نماید در هر حال با مفهومی همچون عدالت باید با احتیاط مواجه شد، به قول ویل دورانت مورخ مشهور که دربارهٔ کانت فیلسوف بزرگ آلمانی گفته است «باید با او با احتیاط و از راه‌های پر پیچ و خم‌دار نزدیک


۱- ریمون آرون - مراحل سیر اندیشهٔ سیاسی در جامعه‌شناسی - ترجمهٔ باقر پرهام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۵۹

شد؛ نخست فاصله اطمینان بخش و احترام آمیزی از او بگیریم و در نقاط مختلف فقط در حول و حوش موضوع بگردیم و بعد راه خود را به سوی مرکز دقیقی که سر و گنجینه دشوارترین فلسفه های جهان در آن است متوجه سازیم»^(۱) خصوصاً اینکه صرف نظر از مفهوم کلی عدالت که بر روی آن اتفاق نظر وجود دارد لیکن به لحاظ اختلاف سلیقه هایی که در انتزاع قواعد جزئی از این مفهوم کلی ایجاد می شود^(۲) و مخصوصاً اینکه مصادیق این مفهوم کلی در مقام انطباق با واقعیت های اجتماعی قرار می گیرد لذا در برخورد با آن نباید جانب احتیاط را دست داد و آن را دست کم گرفت خاصه اینکه منابع موجود در تبیین زوایای تاریک و مبهم این مفهوم کاملاً محدود بوده و آنچنان که شایسته این مفهوم است در این زمینه تحقیق به عمل نیامده و تعداد اندکی از استادان بزرگوار علم حقوق پیرامون این واژه به بحث و بررسی پرداخته اند و بالتبع منابع موجود در دسترس ما نوآموختگان نیز محدود می باشد، فلذا در این تحقیق سعی بر این است که بررسی این واژه از گذشته و از نظر فلاسفه یونان، اسلام و غرب شروع و سپس به تجزیه و تحلیل مفهوم واژه مذکور پرداخته و رابطه و پیوند این مفهوم با مفاهیم دیگر مورد بررسی و متعاقب آن رابطه بین عدالت و حقوق مورد بحث واقع شود، البته در این میان نقش مکاتب مختلف حقوقی در برپائی و تأثیر این مفهوم نیز بررسی می شود و در نهایت بررسی قوانین و مقررات مختلف در حقوق مدنی ایران در آن قسمت که عدالت منبای آن قوانین است چه بطور صریح و چه به صورت تلویحی و نیز نقش رویه قضائی و دکترین در احیاء و تجدید حیات عدالت در حقوق به اندازه ای که از منابع فرا گرفته ام بعمل آمده و به اندازه بضاعت ناچیز و قلیل به این مهم می پردازم. بنابراین مطالب این رساله در سه فصل و به ترتیب ذیل جمع آوری می گردد.

فصل نخست مشتمل بر دو مبحث که مبحث اول شامل تاریخچه و مبانی عدالت و مبحث دوم مکاتب حقوقی و عدالت است و فصل دوم نیز شامل دو مبحث که مبحث اول تعریف،

۱- ویل دورانت - تاریخ فلسفه - ترجمه دکتر عباس زریاب خونی، جلد دوم، ص ۳۵۸، چاپ شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۱.

۲- کاتوزیان، دکتر ناصر - مقدمه علم حقوق، شماره ۳۷، چاپ هفتم، انتشارات بهمن، ۱۳۶۵.

مفهوم و ماهیت عدالت را در برداشته و مبحث دوم؛ انواع عدالت و رابطه آن با پاره‌ای از مفاهیم حقوقی و قواعد اجتماعی را شامل می‌گردد و فصل سوم هم مشتمل بر دو مبحث که مبحث اول متضمن عدالت و قانون مدنی و مبحث دوم شامل رویه قضائی و در نهایت نتیجه است. 

فصل اول - مبانی عدالت

۴- در این فصل، در نظر داریم بدانیم که چگونه عدالت در تمامی جوامع و مدنیتهای انسانی در افکار افراد بشر متبلور گردیده و چرا مردم در زمانهای بسیار دور خواستار عدالت در روابط اقتصادی، اجتماعی و انسانی خویش بوده‌اند. و اساساً چرا دانشمندان و فرهیختگان هر قوم و هر کشور متمدن بدنبال دستیابی به این واژه و شناساندن آن به افراد جامعه خویش بوده‌اند و چه هدفی را از آموختن این واژه به مردم زمان خویش دنبال می‌کرده‌اند و به چه دلیل سعادت نوع انسان را وابسته به اطاعت از عدالت دانسته‌اند، بدین ترتیب در مبحث نخست بررسی تاریخی این واژه را از دیدگاه فلاسفه دنبال می‌نمائیم و در مبحث دوم به تجزیه و تحلیل مفهوم، اعتبار و معیارهای شناخت عدالت می‌پردازیم.

مبحث اول (بررسی تاریخی)

گفتار نخست - نظریه فلاسفه یونان و پیشینیان از ایشان

۵- نطفه‌های اولیه - در این گفتار به طور اجمال، دیدگاه‌های فیلسوفان و حکماء یونانی نسبت به عدالت در قرون و اعصار قدیم مورد بررسی قرار می‌گیرد، لیکن، به لحاظ تفاوت دیدگاه‌ها و احیاناً تأثیرپذیری این نظریات از یکدیگر و یا اثرگذاری بعضی بر بعض دیگر، این دیدگاه‌ها بطور متمایز و جداگانه بررسی می‌شود. حکماء و فلاسفه یونان در آثار و نظریات خویش از همان ابتدای شکوفائی فلسفه و در مباحث مربوط به حکمت از عدالت فراوان سخن گفته‌اند، پس از آنکه در یونان اصل صیوررت یا دگرگونی در جهان هستی نضج گرفت و اصل ثبوت و یکنواختی و اینکه جهان، همچون ساختمان عظیمی است که از موادی معین ساخته شده و شکل و ابعاد ثابتی دارد اندک اندک اصالت خویش را از دست داد، حکیمانی پیدا شدند که سنگ زیرین نظریات و تفکرات سیاسی را بنا نهادند و کم‌کم این